بررسی فقهی اخذ کارمزد و ارائه تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری در صندوق‌های قرض‌الحسنه

فرشته ملاکریمی خوزانی

۱. مقدمه

یکی از عقود اسلامی که در تجهیز منابع کاربرد دارد، قرارداد قرض است. قرض عقدی است که به موجب آن مالی به شرط ضمان به ملکیت دیگری در می‌آید (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۴، ص۶۵۱) این قرارداد، قراردادی غیرانتفاعی به شمار می‌آید که به دلیل اهداف خیرخواهانه و انسانی مورد سفارش اسلام قرار گرفته است و برای آن پاداش معنوی و اخروی در نظر گرفته شده است (موسویان، سیدعباس، ۱۳۸۷، ص۸۲). شریعت اسلام به منظور تحقق این اهداف و رشد معنوی جامعه، هرگونه شرط زیادی در قرض را ربا و حرام اعلام کرده است، چه اینکه متعاقدین به این زیادی تصریح کنند یا آن را به صورت شرط در ضمن عقد قرض بگنجانند، هر چند هنگام قرض به آن تصریح نکنند (نجفی، محمدحسن، ۱۴۱۵ق، ص۵). در حقیقت ربای قرضی، قرارداد قرضی است که در آن شرط زیاده شده است. حرمت این نوع ربا از مسلمات فقه است و دلایل زیادی از کتاب و سنت در رابطه با آن وجود دارد. به جهت چنین حرمتی، فقها قرض‌گیرنده را تنها موظف به بازپرداخت همان مقداری می‌دانند که قرض گرفته است و به قرض‌دهنده حق مطالبه بیش از آن را نمی‌دهند. ایشان در تعریف عقد قرض تصریح کرده‌اند «آنچه که بر عهده قرض‌گیرنده قرض می‌باشد، این است که تنها عین مال یا مثل و یا قیمت آن را به قرض‌دهنده بپردازد» (خمینی، روح‌اله، همان).

بر مبنای این رویکرد فقهی، قرارداد قرض در ماده ۱۵ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز این‌گونه تعریف شده است: «قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض‌دهنده رد نماید».

حال با توجه به غیرانتفاعی‌بودن عقد قرض و حرمت هرگونه اشتراط زیاده و نفع در آن، برآنیم تا نحوه عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه در ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری و



دریافت کارمزد در تسهیلات قرض‌الحسنه را مورد بررسی قرار دهیم. این دو موضوع از مسائلی است که به‌زعم برخی از مراجع مصداق شرط انتفاع در عقد قرض است و بر همین اساس حکم به حرمت آن کرده‌اند.

۲. بررسی فقهی ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری

یکی از ابزارهای تجهیز منابع در صندوق‌های قرض‌الحسنه که همواره در این مؤسسات مورد استفاده قرار گرفته است، پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه بر اساس مدت و میزان سپرده‌گذاری متقاضی دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه، می‌باشد که در واقع ابزاری تشویقی برای جذب هرچه بیشتر سپرده‌های قرض‌الحسنه در این مؤسسات است. چگونگی تأثیر مدت و میزان سپرده قرض‌الحسنه در تعیین میزان وام پرداختی و تعداد اقساط آن از یک روش واحدی پیروی نمی‌کند و در مؤسسات مختلف، متفاوت بوده است.

چگونگی ابراز و اعلام معیار پرداخت وام بر این اساس نیز در مؤسسات مختلف دارای تمایزات بسیاری است. در برخی مؤسسات هیچ گونه اعلامی به اعضا نمی‌شود و تنها به این «مقاوله» بسنده می‌شود که هرچه کارکرد حساب پس‌انداز شما بیشتر باشد، وام قرض‌الحسنه بیشتری به شما تعلق می‌گیرد. در برخی دیگر از این مؤسسات نه تنها به صراحت در مورد نحوه محاسبه امتیاز وام بر اساس مدت و میزان سپرده‌گذاری سخن گفته می‌شود، بلکه بر اساس جداولی نیز این معیارها به اعضا ارائه می‌شود.

در مورد مشروع‌بودن یا نبودن این‌گونه فعالیت‌های واسطه‌گری وجوه، بین علما و مراجع عظام تقلید، اختلاف فتوا وجود دارد و حرمت این نوع عملکرد مورد اجماع مراجع عظام نمی‌باشد. در حکم این موضوع دو رویکرد وجود دارد:

ـ رویکرد اول که حکم بر حرمت این عملیات مالی می‌دهد، این‌گونه موضوع را تبیین می‌کند که در صندوق فرد سپرده‌گذار بر اساس اشتراط و تعهدی که صندوق در مورد اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه می‌کرد، اقدام به سپرده‌گذاری در قالب عقد قرض می‌کند. یعنی اگر صندوق شرط اعطای تسهیلات را در قبال مدت و میزان سپرده‌گذاری حذف کند، سپرده‌گذار اقدام به سپرده‌گذاری نمی‌کند. در واقع سپرده‌گذار به این شرط سپرده‌گذاری می‌کند که تسهیلات قرض‌الحسنه به وی پرداخت شود و یا به عبارت دیگر صندوق، به شرطی تسهیلات قرض‌الحسنه به افراد پرداخت می‌کرد که سپرده قرض‌الحسنه متناسب آن تسهیلات را قبل از آن در حساب خود داشته باشند. در صورت تبیین و تعریف مسأله بدین صورت و بر اساس قاعده کلی «کل قرض یجر نفعا فهو ربا» (هر قرضی منجر به منفعت شود رباست)، چون با توجه به اینکه هر دو عقد (سپرده‌گذاری و اعطای تسهیلات) در قالب عقد قرض تعریف می‌شوند و پرداخت هر کدام از آنها منوط و مشروط به دیگری است، مصداق اشتراط منفعت و ربای قرضی می‌باشند. منفعت مشترَط در عقد قرض منحصر به پرداخت زیاده نقدی و یا غیرنقدی نیست و هر نوع عملی که نفعی از آن حاصل شود (مانند انجام یک کار مشخص و یا حتی اعطای قرض متقابل) را شامل می‌شود. بر این اساس برخی مراجع حکم به حرمت چنین عملیاتی کرده‌اند.

امام خمینی (ره): «اگر دادن پول به صندوق به این عنوان باشد که آن پول برای مدتی نزد صندوق به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، وامی در اختیار او قرار دهد و یا وام‌دادن صندوق مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا بوده و شرعاً حرام و باطل است، ولی اصل قرض نسبت به هر دو طرف صحیح می‌باشد» (خمینی، روح‌اله، ۱۴۲۴ ق، ص ۴۰۵).

آیت‌الله گلپایگانی: «اگر قرض‌گیرنده قبلاً مبلغ معینی را به بانک می‌دهد (البته این عمل، قرض‌دادن به بانک است) به شرط آنکه بعد از مدتی بانک مثلاً دو برابر به او قرض دهد این قرض‌دادن به بانک ربا و حرام است» (گلپایگانی، سید محمدرضا، ۱۴۰۹ق، ص۹۲).

ـ رویکرد دومی که نسبت به این موضوع بیان شده، بدین ترتیب است که اگر ضمن عقد قرض، عقد قرض (منفعت) دیگری شرط شود، این مصداق زیاده حکمیه و رباست، در فرض مسأله، هرچند میزان و مدت سپرده‌گذاری در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه مؤثر است اما اگر هیچ‌گونه اشتراط الزام‌آوری انجام نشود و در واقع مؤسسه تعهدی در قبال پرداخت وام قرض‌الحسنه نداشته باشد بلکه صرفاً مقاوله‌ای انجام گیرد و معیارهای صندوق در پرداخت وام به‌گونه‌ای تبیین شود که در صورت امکان و وجود وجوه مازاد، تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت شود، این فرایند اشکالی ندارد). برخی از مراجع معظم با چنین رویکردی یعنی عدم اشتراط سپرده‌گذاری در عقد، حکم به جواز مسأله کرده‌اند.

آیت‌الله مکارم شیرازی: «اگر این کار به صورت قرارداد بین آن افراد انجام شود، اشکال ربا دارد؛ تنها راه صحت آن این است که قصد همه وام

قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض‌دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) تملیک می‌کند که قرض‌گیرنده مثل یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض‌دهنده رد کند

قرض‌الحسنه باشد ولی همه آنها اخلاقاً مقررات آن صندوق را رعایت کنند بی آنکه تعهد شرعی یا قانونی داشته باشند. راه دیگر این است که پول‌ها به صورت وام داده نشود بلکه به صورت هبه باشد، ولی در واقع هبه معوّضه است که در مقابل این هبه، دیگران هم به موقع هبه خواهند کرد تا دوره کامل تمام شود» (مکارم شیرازی، ناصر،۱۴۲۷ ق، ج۲، ص ۵۸۹).

البته ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «در ابتدا چنین به نظر می‌رسد که این شرط (بانک، وام را مشروط به واریزکردن مبلغی در حساب وام‌دهنده می‌کند که مثلاً بعد از مدتی دو برابر آن را وام دهد) مشمول «شروط» ممنوعه در قرارداد قرض است و مطلقاً حرام است ولی با دقت و تأمل روشن می‌شود که این شرط دو صورت دارد، نخست اینکه مقصود و غرض وام‌دهنده جلب منفعت و تجارت با آن پول است که در این صورت قطعاً حرام است. دوم اینکه منظور او توسعه قرض‌الحسنه باشد و بخواهد بدین ترتیب به افراد بیشتری وام دهد که در واقع شرط منفعت برای شخص ثالث می‌شود و اشکالی نخواهد داشت» (همو، ۱۳۷۶، ص ۶۹).

آیت‌اله فاضل نیز در پاسخ به سؤالی در رابطه با حکم وام‌هایی که بعضی از بانک‌ها یا مؤسسه‌ها می‌دهند مشروط به اینکه وام‌گیرنده قبلاً مبلغی پرداخت کرده باشد، فرموده‌اند: «مبلغی را که وام‌گیرنده، اول می‌دهد، به عنوان قرض نیست، بلکه به عنوان سرمایه‌گذاری و مشارکت است لذا اشکال ندارد، بلی در همین مورد چنانچه مبلغی را که اول می‌دهند به عنوان قرض و مشروط بر این بدهند که به آنها وام بدهند در این صورت، قرض ربایی محسوب شده و جایز نیست» (لنکرانی، محمدفاضل موحدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص۲۹۰).

در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز این رویکرد برای بانک‌ها مجاز شمرده شده است. بر اساس ماده ۴ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۸ بانک‌ها می‌توانند بدون تعهد و عنداللزوم هر یک یا تمام امتیازات زیر را طبق ضوابط شورای پول و اعتبار به دارندگان سپرده‌های قرض‌الحسنه اعطا کنند:

الف. اعطای جوایز غیرثابت نقدی و یا جنسی
ب. تخفیف یا معافیت از پرداخت کارمزد خدمات بانکی
ج. دادن حق‌تقدم برای استفاده از تسهیلات بانکی.

لذا به نظر می‌رسد هر منفعتی در عقد قرض مصداق ربا نیست بلکه اشتراط منفعت منجر به ربا می‌شود. (استحباب پرداخت وجهی علاوه بر اصل مبلغ قرض توسط قرض‌گیرنده نیز دلیل دیگری بر این مدعاست).

بنابراین حتی اگر رویکرد اول که حکم بر حرمت عملیات مالی موصوف داده شده را ملاک قرار دهیم، آنچه مسلم است این است که هر دو عقد سپرده‌گذاری و اعطای تسهیلات عقد قرض باشد و اگر شکل عقود تغییر کند حکم نیز تغییر می‌کند؛ حتی اگر یکی از عقود هم تغییر کند، حکم مسأله عوض می‌شود.

اما در صورتی که نوع سپرده غیر قرض‌الحسنه باشد، در قالب سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و یا بلندمدت قابل تصور است. نوع عقد در این سپرده‌ها، عقد وکالت است. عقد وکالت عقدی جایز است که شروط ضمن آن نیز الزام‌آور نمی‌باشد اما عمل به شروط آن خالی از اشکال است. البته می‌توان ضمن عقد خارج لازم شروط ضمن عقود جایز را لازم‌الوفا و الزام‌آور کرد. بدین ترتیب اگر انتفاعی ضمن عقد وکالت شرط شود که در فرض ما، اعطای تسهیلات حتی تسهیلات قرض‌الحسنه است، این انتفاع به علت اینکه ضمن عقد قرض شرط نشده، از دایره تعریف ربا خارج می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد، اعطای تسهیلات بر اساس مدت و مبلغ سپرده سرمایه‌گذاری مشتریان در مؤسسات مالی و اعتباری بلااشکال است.

اگر مقصود و غرض وام‌دهنده، توسعه قرض‌الحسنه باشد و بخواهد بدین‌ترتیب به افراد بیشتری وام در روش ارائه تسهیلات به شرط سپرده‌گذاری دهد، شرط منفعت برای شخص ثالث محسوب می‌شود و اشکال شرعی نخواهد داشت

۳. بررسی فقهی اخذ کارمزد در تسهیلات قرض‌الحسنه

صندوق‌های قرض‌الحسنه برای تأمین هزینه‌های مختلف خود چون هزینه پرسنل، آب، برق و تلفن مبلغی را تحت عنوان کارمزد از مشتریان خود دریافت می‌کنند. با توجه به اینکه ماهیت فقهی قرارداد قرض، قرض بدون بهره است و مؤسسات قرض‌الحسنه نباید در مقابل پول قرض داده شده سودی بگیرند، این شبهه پیش می‌آید که دریافت کارمزد مصداق زیادی در قرض باشد؟

فقها در پاسخ به این شبهه موضع‌گیری متفاوتی داشتند. برخی از ایشان حکم به جواز و برخی حکم به عدم جواز آن کرده‌اند. فقهایی که رأی به مشروعیت این مسأله داده‌اند، أخذ کارمزد را در صورتی که به نحو عقلایی و با توافق طرفین باشد، بدون اشکال می‌دانند.

امام خمینی: «چیزی را که صندوق‌های قرض‌الحسنه به عنوان کارمزد و حق‌الزحمه در برابر خدماتی که برای نگهداری حساب اقساط و امثال این امور می‌گیرند اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که این مبلغ متناسب با زحمات و هزینه‌های بانک باشد نه اینکه همان سود پول را به نام کارمزد بگیرند» (خمینی، روح‌اله، همان، ص ۹۱۶).

آیت‌اله مکارم: «منظور از کارمزد، حق‌الزحمه‌ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض‌الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حساب‌ها و سایر خدمات انجام می‌دهند، داده می‌شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود مانعی ندارد و بقیه نیز صرف کارمندان و هزینه‌های جاری می‌شود» (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۵۰۴).

آیت‌اله فاضل لنکرانی نیز در رابطه با أخذ کارمزد در جهت تأمین مخارج صندوق‌های قرض‌الحسنه مثل حقوق کارمندان، اجاره ساختمان و .... فرموده‌اند: «پولی که برای امور مذکور با رضایت وام‌گیرندگان دریافت می‌شود، مانعی ندارد و دارای مشروعیت است» (لنکرانی، محمدفاضل موحدی، همان، ج ۱، ص ۲۷۲).

در مقابل این گروه از فقها، برخی نیز با این استدلال که أخذ کارمزد در واقع شرط زیادی در قرض است، رأی به عدم مشروعیت آن داده‌اند.

آیت‌اله بهجت نیز در پاسخ به سؤالی در رابطه با حکم أخذ کارمزد به مقدار یک تا پنج درصد مبلغ وام توسط برخی از صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌فرمایند: «این همان ربا است؛ مگر معامله شرعیه‌ای در قبال کارمزد معین انجام گیرد، به شرط وام» (بهجت، محمدتقی، ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۱۸۹).

آیت‌اله صافی گلپایگانی: «اگر وجهی را که صندوق قرض می‌دهد ملک صندوق یا مشترک بین صندوق و اشخاص باشد شرط مذکور به نفع صندوق و در حکم زیاده و ربا و حرام است» (صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۰۲).

آیت‌اله تبریزی: «گرفتن زیادتر از مقدار قرض داده شده به عنوان کارمزد صحیح نیست، چون کارمندان که در صندوق کار می‌کنند، اجیر سهامداران صندوق هستند و در ذمه آنها مالک اجرت می‌باشند و دیگر نمی‌توانند اجیر برای قرض‌گیرندگان شوند و در ازای آن اجرت بگیرند. بنابراین آنچه به عنوان کارمزد گرفته می‌شود در واقع زیادی است که به ملک صاحبان سهام وارد می‌شود که آن را صرف در مخارج صندوق از قبیل پرداخت حقوق کارمندان و مثل آن کرده و بقیه را برای خود برمی‌دارند و این شرط زیادی در قرض است و موجب آن می‌شود که قرض مزبور ربوی و حرام شود» (تبریزی، جواد، ۱۳۸۵، ص ۲۸۱).

در مجموع از کلام فقها در رابطه با أخذ کارمزد، سه نظریه به دست می‌آید.

۱ـ دریافت کارمزد از جواز شرعی برخوردار است. صاحب این نظریه آیت‌اله مکارم است.

۲ـ دریافت کارمزد در صورتی که با رضایت طرفین باشد، مشروع است. امام خمینی (ره) و آیت‌اله فاضل (ره) از طرفداران این نظریه می‌باشند.

۳ـ دریافت کارمزد مصداق زیاده در قرض و حرام است. آیات عظام بهجت، تبریزی و صافی

گلپایگانی از این نظریه دفاع کرده‌اند.

البته طرفداران نظریه سوم برای دریافت مشروع کارمزد، راهکارهایی ارائه کرده‌اند. آیت‌اله تبریزی در بیانی مبسوط فرموده‌اند: «راه مشروع گرفتن زیادی آن است که صاحبان سهام دفترچه‌هایی (به عنوان دفترچه اقساط) تهیه کنند که مالیت داشته باشد، هرچند مالیت آن فی‌نفسه کم باشد و هر یک از آن دفترچه‌ها را به قرض‌گیرنده به مبلغ آن زیادی که می‌خواهند از او بگیرند، بفروشند و در ضمنِ این بیع شرط شود که به آنها فلان مقدار قرض بدون بهره بدهند و دفترچه مزبور هرچند فی‌نفسه به آن مقدار ارزش ندارد، لکن با شرط قرض به همان مقدار (که در مقابل آن قرار داده می‌شود) ارزش پیدا می‌کند و الله العالم» (تبریزی، جواد، همان).

راهکاری که ایشان به صورت تفصیلی بیان کرده‌اند، همان راهکاری است که آیت‌اله بهجت در فتوای خود (که از نظر گذشت) به صورت اجمالی اظهار داشته‌اند.

آیت‌اله صافی گلپایگانی در این زمینه می‌فرمایند: «اگر وجوهی که قرض داده می‌شود ملک اشخاص باشد و صندوق فقط وکیل صاحبان وجوه و واسطه‌گی بین طرفین را در وقوع معامله عهده‌دار باشد می‌تواند آنچه را برای انجام معامله هزینه می‌نماید و همچنین حق‌العمل واسطه‌گی خود را برای اداره امور صندوق و استمرار عمل آن از قرض‌گیرنده دریافت نماید و بدون قبول آن از طرف قرض‌گیرنده معامله را انجام ندهد و اگر وجوهی که به قرض داده می‌شود، ملک صندوق باشد و قرض و استقراض متوقف بر عملی باشد که عرفاً مالیت داشته باشد، مثل نوشتن سند و نگهداری حساب و صندوق به درخواست قرض‌گیرنده نه شرط و الزام بر او آن عمل را انجام دهد یا اوراقی را مصرف نماید قرض‌گیرنده باید اجرةُ المسمی یا اجرةُالمثل عمل صندوق و بهای اوراق را بپردازد، معذلک گرچه با هر یک از این دو راه و راه‌های دیگر از جمله فروش دفترچه حساب به متقاضی وام می‌توان به‌طور مشروع مخارج صندوق قرض‌الحسنه را تأمین کرد، سزاوار است برای اینکه این اقدام خیر کامل و موجب اجر و ثواب بیشتر و اعانت زیادتر به ضعفا گردد، مخارج صندوق را مؤمنین از تبرعات و هدایا به صندوق یا معاملات مشروع دیگر تأمین کنند و از قرض‌گیرنده به‌طور مشروع هم وجهی بیش از اصل قرض نگیرند» (صافی گلپایگانی، لطف‌اله، همان).

شهید صدر نیز در این باره معتقد است اگر بانک وکیل سپرده‌گذار باشد؛ یعنی سپرده‌گذار با افتتاح حساب جاری و عملیات سپرده‌گذاری به بانک وکالت می‌دهد که وجوه او را به متقاضیان تسهیلات قرض دهد. در این تفسیر، بانک مالک سپرده نخواهد بود بلکه واسطه‌ای بین قرض‌دهنده (سپرده‌گذار) و وام‌گیرنده خواهد بود و می‌تواند در برابر کاری که می‌کند، کارمزد دریافت کند؛ البته از این کارمزد به سپرده‌گذار هیچ نمی‌رسد (صدر، سید محمدباقر، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۷۹).

از کلام این فقهای بزرگوار، سه راه‌حل برای حل مشروعیت أخذ کارمزد استنباط می‌شود:

۱. دریافت کارمزد تحت عنوان ثمن دفترچه اقساطی که در یک عقد بیع به فرد فروخته می‌شود و اشتراط اعطای قرض بدون بهره در ضمن همان عقد بیع.

۲. در فرضی که صندوق وکیل صاحبان وجوه است و واسطه‌گری بین طرفین را در وقوع معامله عهده‌دار باشد می‌تواند در قبال هزینه‌هایی که برای عقد معامله متحمل می‌شود و نقش واسطه‌گری خود، مبلغی را به عنوان کارمزد دریافت کند.

۳. در فرضی که صندوق، مالک وجوه قرض داده شده است، می‌تواند در قبال اموری مثل نوشتن سند و نگهداری حساب کارمزد دریافت کند، البته این مسأله نباید به صورت شرط در قرارداد باشد.

در نهایت با توجه به آراء فقها و استفاده از راهکارهایی که ارائه کرده‌اند، می‌توان دریافت کارمزد توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه را مشروع دانست. البته رعایت این نکته بسیار ضروری است که از طریق تعیین روش محاسبه کارمزدها به صورت روشن می‌بایست از سوءاستفاده برخی مؤسسات اعتباری پیش‌گیری کرد. زیرا شیوه محاسبه کارمزد در برخی مؤسسات بدین صورت است که با سوءاستفاده از شفاف‌نبودن فرمول محاسبه، کارمزد چهار درصد را در عمل هشت درصد دریافت می‌کنند. بنابراین این مسأله نباید به عنوان پوششی برای دریافت سود و بهره به کار گرفته شود، زیرا یکی از تفاوت‌های اساسی بانکداری اسلامی با بانکداری ربوی این است که بانک اسلامی (غیرربوی) در جایگاه عامل فعالیت می‌کند و درآمد خود را نه بر اساس بهره و سود، بلکه بر اساس مزد کار (کارمزد، حق‌الوکاله) تعریف می‌کند (صدر، سید محمدباقر، همان، ص ۱۱).

۴. جمع‌بندی

اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری با شبهه ربوی‌بودن مواجه است و گنجاندن چنین شرطی در ضمن عقد قرض غیرمشروع است. البته در فرض مسأله، هرچند میزان و مدت سپرده‌گذاری در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه مؤثر است اما اگر هیچ‌گونه اشتراط الزام‌آوری انجام نشود و صرفاً مقاوله‌ای انجام گیرد و معیارهای صندوق در پرداخت وام به‌گونه‌ای تبیین شود که در صورت امکان و وجود وجوه مازاد، تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت شود، این فرایند اشکالی ندارد. راه دیگری که برای مشروعیت این مسأله وجود دارد، این است که پول‌ها به صورت وام داده نشود، بلکه به صورت هبه باشد. یکی دیگر از مسائلی که با شبهه ربوی‌بودن روبه‌رو است، مسأله دریافت کارمزد از مشتریان توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه است. اظهارات بسیاری از فقها این شبهه را مرتفع کرده است بدین صورت که اگر کارمزد به عنوان حق‌الزحمه و در قبال هزینه‌های مؤسسه، اموری چون سندنویسی و نگهداری حساب، نقش واسطه‌گری آن و یا به عنوان ثمن دفترچه اقساط دریافت شود، عاری از اشکال شرعی است و با شبهه ربا برخورد نمی‌کند. ●

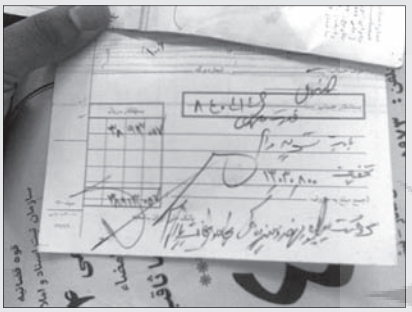

فهرست منابع و مآخذ

۱. بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۸ق). استفتائات، جلد سوم. قم: دفتر حضرت آیت‌الله بهجت.

۲. تبریزی، جواد. (۱۳۸۵). استفتائات جدید، جلد اول. قم: دفتر حضرت آیت‌الله جواد تبریزی.

۳. خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۴). تحریرالوسیله، جلد اول. قم: مؤسسه دارالعلم.

۴. خمینی، سید روح اله. (۱۴۲۴ق). توضیح المسائل (محشّی ـ امام خمینی) جلد دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۵. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۰۱ق). البنک اللاربوی. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۶. گلپایگانی، سیدمحمدرضا. (۱۴۰۹ق). مجمع المسائل، جلد دوم. قم: دارالقرآن الکریم.

۷. گلپایگانی، لطف‌الله صافی. (۱۴۱۷ ق). جامع الأحکام، حضرت معصومه (س)، جلد دوم. دفتر حضرت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی.

۸. موحدی لنکرانی، محمدفاضل. (۱۳۷۶). جامع المسائل، جلد دوم. قم: امیر قلم.

۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶). ربا و بانکداری اسلامی. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ ق). استفتائات جدید، جلد دوم. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

۱۱. موسویان، سیدعباس و فیروزآبادی، سید محمد. (۱۳۸۷). بانکداری در آیینه شریعت، قم: انتشارات وثوق.

۱۲. نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۵ق). جواهرالکلام، جلد ۲۵. بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی.